



بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر

نرجس مغدانی^۱، انسیه ماهینی^{*۲}، صغیر اسماعیلی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود. روش این پژوهش، توصیفی از نوع مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر ۱۸۴۷ نفر از دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود که از طریق نمونه گیری خوش ای تعداد ۳۱۸ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) بود. تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش با استفاده از آزمون χ^2 گروه های مستقل انجام گرفت. یافته ها نشان داد که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی داری بیشتر از دانش آموزان پسر است. نتیجه گیری کلی پژوهش نشان داد که با تقویت تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان می توان به افزایش حوزه های معرفتی و دینی آنان در مدارس کمک فراوانی نمود.

کلید واژه ها: تربیت اخلاقی، دانش آموزان.

۱ - کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
nrsmoghdani@gmail.com

۲ - استادیار گروه معارف اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نويسنده مسئول)
nc1388@hotmail.com

۳ - کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران



مقدمه

دوره متوسطه دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را در بر می‌گیرد و در انتهای طیف به دنیای جوانی می‌رسد. در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادهای اختصاصی نوجوان و جوان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلاء خود می‌رسد، کنجدکاوی آنان جهت معینی می‌باید و مسائل جدید زندگی نظریه انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند؛ از این‌رو این دوره در نظامهای تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت زیادی دارد. از طرفی تربیت اخلاقی یکی از مهم ترین ساحت‌های فرایند تربیت، و مقدم بر سایر ساحت‌ها، بلکه زیربنای آنهاست. این جایگاه ویژه از آن جهت است که تربیت اخلاقی دربرگیرنده همه ابعاد و ساحت‌های شخصیت انسان، و نیز دربرگیرنده همه مراحل رشد انسان از کودکی تا سالمندی است و در هیچ دوره ای از زندگی انسان متوقف نمی‌شود؛ یعنی، نمی‌توان گفت این فرد به مرحله ای از رشد و بلوغ رسیده است که دیگر به تربیت اخلاقی احتیاج ندارد. تربیت اخلاقی برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسن و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. دانشمندان مسلمان با توجه به جامعیت مکتب تربیتی اسلام آنرا «فرایند و بستری که در آن انسان توانایی می‌یابد از روی اختیار، ملکات و صفاتی را بپذیرد و در کنار ساختار خلقی خویش، از سرنوشت و طبیعی دیگر برخوردار شود» تعریف نموده اند (فخرهاشمیان، ۱۳۹۵). در واقع تربیت اخلاقی تعیین کننده سطح رشد و کمال آدمی در عرصه روابطش با خدا، جامعه و طبیعت است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تربیت اخلاقی، به نوعی در انسان اعتدال ایجاد می‌کند، و این اعتدال موجب می‌شود که ساحت‌های دیگر تربیت انسان هم به تناسب رشد کنند و پرورش یابند (شاهسنبی، ۱۳۹۶). فرایند اخلاق با رفتار آگاهانه ای که از سر علم و عمد و انتخاب و گزینش انجام می‌پذیرد و صبغه ارزشی دارد و نیز با ملکات و صفات پایداری که تکرار آن رفتار ویژه موجب پیدایش آنها شده سر و کار دارد (کاظمی، ۱۴۰۰). درهم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود. در تربیت اخلاقی، رویکرد اصلی متوجه پرورش استعدادهای اخلاقی و رسیدن به کمالات اخلاقی است؛ در حالی که در تربیت علمی، هدف، شکوفایی استعدادهای علمی و کسب مراتب بالای علمی است، از همین‌رو،



نگرش به انسان، عمدتاً ابزاری و آلی است. اما امروزه، جدا انگاری فرایند اخلاق و تربیت تردید ناپذیر است (شاھسنسی، ۱۳۹۶). نقیبزاده (۱۳۸۶) معتقد است که تربیت در کاربرد گستره‌اش، پروردن و بارآوردن را در بر می‌گیرد و چه بسا درباره‌ی انسان و سایر جانداران و جانوران به کار گرفته می‌شود، ولی بهتر است که آن را تنها در معنای دقیقی که نشان‌دهنده‌ی تحول انسانی است به کار ببریم.

همچنین با بررسی پژوهش‌ها در داخل و خارج در راستای موضوع مشخص شد که نتایج خوبی از تاثیرات تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر وجود دارد از جمله اینکه بیرونی (کاشانی، ۱۳۹۷) در پژوهشی به شناسایی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی دانش آموزان است که با تناظر میان نظریه‌های تربیت منش و رویکرد تربیت اسلامی پرداخت. نتایج نشان داد که در نظریه‌های تربیت منش، تأکید بر پرورش شخصیت است؛ اما مسئله تربیت دائر بر «دیگرسازی» است. در مقایسه با آن روشن شد مفهوم تربیت اسلامی ۱. به معنای «ربوی شدن» است، ۲. ناظر به «تحول درون» و «خودسازی» و امری «قائم به خود» است ۳. نیاز به «بلغ عقلانی» دارد و دوران قبل از رسش عقلانی «تمهید» است که با هدف پرورش «شاکله دانش آموزان» و آماده کردن آن‌ها برای دعوت «ربوی» مورد توجه قرار گرفته است. ۴. زیر بنای عمل معلم در فرایند تربیت اخلاقی دو امکان تربیتی «فطرت اخلاقی» و «هویت اجتماعی» (اجتماع اخوت محور) است. در پایان چنین نتیجه گیری شد توجه به تحقق و شکوفایی این مؤلفه‌های تربیت اخلاقی بر اساس دو مبنای «فطرت اخلاقی» و «هویت اجتماعی» در قلمرو وظایف معلم است که می‌تواند از طریق روش‌هایی که در تدریس و فعالیتهای آموزشی و تربیتی خود دنبال می‌کند به آن دست یابد. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته‌ها و تمایلات، احساس ناخرسندی می‌نماید. از این رو از ضعف عقل گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می‌شود (قائمی، ۱۳۹۰). عالمان اخلاق فعل اخلاقی را در برابر فعل طبیعی قرار داده اند و گفته اند فعل اخلاقی از حدود کارهای طبیعی و عادی خارج است و با آنها تفاوت دارد و کار تربیتی و فرایند تربیت علاوه بر فعل اخلاقی، فعل طبیعی و رفتار عادی را نیز زیر پوشش دارد. مقصود از فعل طبیعی آن احساس گرسنگی و خواب و استراحت را در پی خستگی و نیز فعالیت‌های روزمره زندگی، پیداست در این کارها آدمی با حیوان مشترک است و کارها و نیز اندیشه‌ها و صفات و میل‌های مربوطه به این منظور جلب نفع مادی و دفع زیان مادی انجام می‌گیرند. به عبارت دیگر ریشه این گونه افعال سودجویی مادی است و فرایند تربیت تمامی این رفتارهای عادی و طبیعی و نیز رفتار اخلاقی و صفات اندیشه‌های مربوط به آن مختص عالم انسانی و قابل ستایش و ستایش و نکوهش و ریشه آن فضیلت جویی فطری است (رفیعی، ۱۳۹۷). حیدری (۱۳۹۵) در پژوهشی به مقایسه رشد استدلال اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و هویت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی متوسطه پرداخت. نتایج



نشان داد که بین رشد استدلال اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و هویت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مسن آبادی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی مقایسه بین نظام ارزشی دانش آموزان با میزان استفاده از آنها از فضای مجازی در دانش آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهر تهران پرداخت. نتایج نشان داد که بین ابعاد نظام ارزشی اجتماعی، اقتصادی، نظری و هنری از نظام ارزشی دانش آموزان تفاوت وجود دارد. پورمحمد (۱۳۹۳) در پژوهشی به مقایسه هوش معنوی و تحول اخلاقی در دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی پرداخت. نتایج نشان داد که میزان هوش معنوی در دو گروه از دانش آموزان تیزهوش و عادی متفاوت نیست. همچنین مشخص شد که تحول اخلاقی در دو گروه تیزهوش و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. زادنیه (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی مقایسه صلاحیت و تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر ایرانی پرداخت. نتایج حاکی از تفاوت معنادار بین شایستگی اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر بود. کریم زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی مقایسه ای رابطه شاخصه‌های تربیت اخلاقی (داوری اخلاقی و رفتار اخلاقی) با مولفه‌های ادراک خود در نوجوانان عادی و دارای مشکل رفتاری پرداخت. نتایج نشان داد که میان آزمودنی‌های دو گروه از نظر میزان استفاده از طرحواره‌های ادراک خود به گونه موضوع تفاوت معناداری وجود دارد.

در بحث اهمیت و ضرورت پژوهش می‌باشد بیان نمود که تعلیم و تربیت، عرصه‌ها و وجود گوناگونی دارد که یکی از مهمترین آنها حوزه‌ی تربیت اخلاقی است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مستقل از ملاحظات اخلاقی به سامان بخشی امور اجتماعی و فرهنگی خود اقدام نماید؛ چرا که مسئله تربیت اخلاقی مقوله‌ای است که تمامی مناسبات اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رفتاری را متأثر می‌سازند. البته آنچه که در امر اخلاق و ارزشها مهم است، علاوه بر تأکید بر ضرورت توجه به امور اخلاقی و ارزش‌ها، توجه به روش‌ها و رویکردهای درست آموزش تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان است. لازم به ذکر است با استفاده بهینه و بابنامه از نقاط مثبت تربیت اخلاقی می‌توان به افزایش حوزه تحصیلی و زندگی دانش آموزان کمک فراوانی نمود. بنابر آنچه بالا گفته شد سؤال اصلی در این تحقیق به این صورت مطرح است که آیا بین تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر تفاوت معنی داری وجود دارد؟

روش پژوهش

نوع این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی- مقایسه‌ای بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل ۱۸۴۷ نفر دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از فرمول برآورد حجم



نمونه کوکران با حجم جامعه آماری ۱۸۴۷ نفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد با احتمال خطای ۵ درصد، حجم نمونه برابر ۳۱۸ نفر محاسبه شد. برای انتخاب نمونه، روش‌های مختلف وجود دارد، که در این تحقیق با توجه به وسعت و پراکندگی جامعه آماری از روش نمونه گیری خوش ای چندمرحله ای استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا از بین ۲۷ مدرسه مقطع متوسطه اول شهرستان دیر تعداد ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر مدرسه و از پایه‌های مختلف هفتم، هشتم و نهم به صورت تصادفی و تقریبی ۵۳ نفر انتخاب و پس از توضیحات کامل پرسشنامه‌ها توسط آنها پاسخ داده شد. تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون t گروه‌های مستقل انجام گرفت.

پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰): پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) شامل ۲۲ سوال از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم ۱، مخالفم ۲، بی نظرم ۳، موافق ۴ و کاملاً موافقم ۵) می‌باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۲۲ تا ۶۳ باشد، میزان گرایش به تربیت اخلاقی در این جامعه ضعیف می‌باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۶۴ تا ۹۰ باشد، میزان گرایش به تربیت اخلاقی در سطح متوسطی می‌باشد. در صورتی که نمرات بالای ۹۰ باشد، میزان تربیت اخلاقی بسیار خوب می‌باشد. مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) روایی پرسشنامه را در تحقیق خود به کمک تحلیل عاملی ۰/۸۵ گزارش نمودند. همچنین پایایی پرسشنامه را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش نمودند.

یافته‌ها

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۱ به بحث و بررسی پیرامون نرمال بودن داده‌ها و در ادامه در جدول ۲ به تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

جدول ۱ نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف برای فرض توزیع نرمال

متغیرها	گروه	آماره	سطح معناداری
تربیت اخلاقی	پسر	۰/۰۵۱	۰/۱۱۲
	دختر	۰/۰۴۲	۰/۲

نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف در جدول ۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری برای متغیرهای این تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین آماره کولموگروف- اسمیرنف در خصوص متغیرها در سطح ۰/۰۵ خطای معنی دار نبوده و بر این اساس توزیع متغیرها نرمال می‌باشد.



جدول ۲ مقایسه میانگین تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	t مقدار	آزمون لوین		انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه
			سطح معنی‌داری	F				
۰/۰۰۰۱	۳۱۸	۴/۷۶	۰/۱۷۶	۱/۸۴	۲۴/۴	۸۶/۳۶	۱۵۹	پسر
					۲۲/۹۳	۸۷/۷۱	۱۵۹	دختر

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد با توجه به نتایج آزمون لوین مشخص است که سطح معناداری بالاتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین واریانس گروه‌های مستقل دانش آموزان دختر و پسر با هم برابر هستند. بنابراین با پیش فرض برابری واریانس‌ها، اختلاف مشاهده شده بین میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر بر اساس نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در سطح ($P < 0/0001$) معنی دار است زیرا سطح معناداری بدست آمده از ۰/۵ کمتر است. با توجه به میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر می‌توان گفت که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی‌های پسر است و پسر می‌توان گفت که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی‌داری بیشتر از دانش آموزان پسر است.

نتیجه گیری

مطالعه حاضر به دنبال بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود. نتایج نشان داد که به منظور پاسخگویی به این فرضیه از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد که نتایج نشان داد که با توجه به میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر می‌توان گفت که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی‌های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی‌داری بیشتر از دانش آموزان پسر است. مشابه با این یافته‌ها در تحقیقات بیرونی کاشانی (۱۳۹۷)، حیدری (۱۳۹۵)، پورمحمد (۱۳۹۳)، کریم زاده (۱۳۸۷)، ثورنبرگ (۲۰۱۶) و زادنی (۲۰۱۱) به دست آمده است. بررسی و تبیین فرضیه فوق نشان می‌دهد که به طور کلی هیچ دلیل مستندی مبنی بر تفاوت ما بین تربیت اخلاقی دختران و پسران در اسلام



مشاهده نگردید و از نظر عقلی نیز نمی‌توان به این تفکیک قائل گردید، زیرا کلیه تربیت اخلاقی ریشه در روح و جان افراد داشته و یک صفت وابسته به روح است و نمی‌تواند مربوط به جنسیت باشد. اصول و فضایل اساسی اخلاق، اصول و فضایل عام و مشترک اند که درباره انسان از آن جهت که انسان است و نه از آن جهت که دختر یا پسر است، به کار می‌روند. اصولی، مانند حسن راست گوبی، وفای به عهد، احترام به همنوع، رعایت و احترام قوانین و مقررات، فضایلی، مانند شجاعت، سخاوت، سخت کوشی، پاکدامنی، مهربانی، وفاداری، امانت داری و... اصول و فضایلی هستند برای همه افراد، و اختصاصی به دختر یا پسر ندارند، گرچه با توجه به خصوصیات هر یک از دختر و پسر، برخی از فضایل از پسر شایسته تر و برخی بر دختر زیبینده تر است، اما نمی‌توان گفت فضایل و رذایل به دو دسته دخترانه و پسرانه تقسیم می‌شوند یا فضایل پسرانه، رجحان دارد یا برعکس. ولی در بعضی موارد و تحقیقات معمولاً دختران و پسران به دلیل اینکه خصوصیات درونی‌شان با هم متفاوت است در جامعه نیز از نظر اجتماعی و رفتاری در شرایط خاصی نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند؛ از نوع بازی و ارتباط با همسالان گرفته تا نوع روابطشان با والد همجنس و تربیت اخلاقی، که در این پژوهش هم در حوزه تربیت اخلاقی دانش آموزان پسر به خاطر شرایط خانوادگی، فرهنگی، محیطی و مذهبی و... تا حدی کمتر از آزمودنی‌های دختر است و این تفاوت خیلی نامحسوس هست.

از این رو پیشنهاد می‌شود با ایجاد الگوهای تعامل بین معلمان و دانش آموزان با توجه به افتراضات جنسیتی و شخصیتی به افزایش تربیت اخلاقی آنان کمک شود. همچنین برای افزایش تربیت اخلاقی جلسات آموزشی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و مهارت‌های تربیتی به دانش آموزان آموزش داده شود.

منابع

- بیرونی کاشانی، راضیه، (۱۳۹۷)، شناسایی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی دانش آموزان است که با تناظر میان نظریه‌های تربیت منش و رویکرد تربیت اسلامی، فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۶، شماره ۱۱.
- پورمحمدث، گلریز، (۱۳۹۳)، مقایسه هوش معنوی و تحول اخلاقی در دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی، دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حیدری، مهدی، کرامتی، هادی، حسنی، جعفر، (۱۳۹۵)، مقایسه رشد استدلال اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و هویت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی متوسطه، کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران.
- رفیعی، بهروز، (۱۳۹۷)، تربیت اخلاقی در اسلام، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نشریه آموزش در علوم انتظامی، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۸۱ تا ص ۲۰۳.



- شاهسنسی، شهرزاد، شمشیری، بابک، مرادخواه، وحید، راسخ، مقصومه، (۱۳۹۶)، اهمیت تربیت اخلاقی در دانش آموزان و شیوه های آن، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و مشاوره، اصفهان.
- فخرهاشمیان، فیروزه، (۱۳۹۵)، بررسی کسب فضائل اخلاقی بر دانشجویان دانشگاه امام رضا و نقش آن بر بهداشت روانی و عملکرد رفتاری آنان، سایت جامع مدیر یار.
- قائمی، علی، (۱۳۹۰)، زمینه‌ی تربیت، تهران: نشر امیری.
- کریم زاده، صادق، (۱۳۸۷)، بررسی مقایسه ای رابطه شاخصه های تربیت اخلاقی (داوری اخلاقی و رفتار اخلاقی) با مولفه های ادراک خود در نوجوانان عادی و دارای مشکل رفتاری، دوفصلنامه تربیت اسلامی، دوره ۳، شماره ۶.
- کاظمی، حمیدرضا، (۱۴۰۰)، برنامه درسی و تربیت اخلاقی، انتشارات قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نقیبزاده، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، نگاهی به فلسفه‌ی آموزش و پرورش، تهران: نشر طهوری.

- Thornberg, R., & Oğuz, E. (2016). Moral and citizenship educational goals in values education: A cross-cultural study of Swedish and Turkish student teachers' preferences. *Teaching and Teacher Education*, 55, 110-121.
- Zadanbeh, M. K., & Zakerian, M. (2011). A comparison of moral competence between Iranian male and female elementary students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 48-52.



A comparative study of moral education among male and female students of the first secondary school in dayyer city

Abstract

The purpose of this study was to compare moral education among male and female students of the first secondary school in dayyer city. The method of this research was descriptive and comparative. The statistical population of the present study was 1847 male and female students of the first secondary school in dayyer city, who were selected through cluster sampling of 318 using Cochran's formula. The tool of data collection in this research was the Moral Education Questionnaire of Mosadeghi Nik and Koshi (1400). Analysis of the research hypotheses was done using the t-test of independent groups. The findings showed that the average moral education score of female students is higher than that of male subjects, or in other words, the moral education of female students is significantly higher than that of male students. The general conclusion of the research showed that by strengthening moral education among students, it is possible to greatly help to increase their cognitive and religious areas in schools.

Keywords: moral education, students.